

## اشاره

انتشار این شماره از فصلنامه حسنات مصادف با ولادت دخت نبی گرامی اسلام، حضرت زهرا(س) گردیده و بدین مناسبت، فصلنامه بر خود فرض دانست در حد اختصار به نقش اجتماعی آن بزرگوار بپردازد. آنچه در پیش روی شماست نگاهی جامعه‌شناسانه به این مهم است.

کاویدن اندیشه و بررسی تجربه‌های درونی و بیرونی اشخاص و تعیین منزلت و نقش ایشان در سیر تحولات تاریخی و اجتماعی، بیش و پیش از تجلیل منطق تحلیل گفتمان (Dis Course Analysis) را می‌طلبد. این روش یاری‌رسان ماست که بتوانیم از زاویه تأویل فراگرد ارتباطی و بیان نوع ارتباط فرد با خود (Intra personal communication) و با دیگران (Inter personal communication) تلقی و تعریف وی را از خدا، جهان و انسان درک کنیم و بفهمیم. به گمان ما در قالب این فراگرد میان کنشی (Interactional) انسان متناسب با شناخت و به‌طور کلی پیش‌زمینه‌های معرفتی‌اش، معانی را خلق و با انتقال مفاهیم از طریق نمادها - چون خط و زبان که ترجمان خرد اوست - می‌کوشد حیات جمعی را از حضور خویش متأثر سازد و به عزم ایجاد تحول مطابق با باورهاش، به تسهیم تجارب بپردازد.

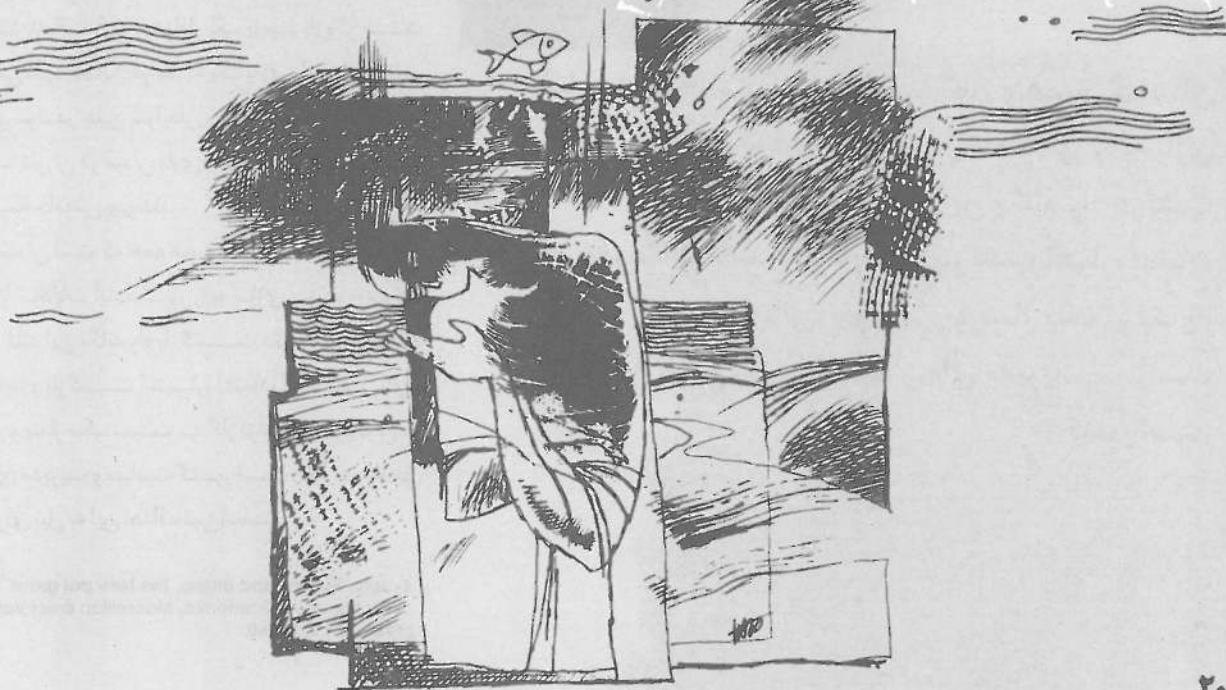
به مناسبت سالروز میلاد حضرت صدیقه کبری (س)

# تحلیل حاکم بر خطبه حضرت زهرا(س)

محمد عیدی نجف آبادی

کارشناس ارشد تاریخ و

مدرس مرکز علمی - کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان



با چنین پیش فرضی، جهد ما در این وجیزه آن است که در خصوص حضرت زهرا(س) به تحلیل منطقی حاکم بر گفتاری اهتمام کنیم که درون آن حسیثیتی از جامعه موضوعیت یافته و آن حضرت در تلاش است با توجه به تجربه‌های درونی و بیرونی خویش - در مقام فهم و تفسیر شریعت - در فرایند ارتباط با دیگران نقش هدایت‌گری خود را در دفاع از مبانی ارزشی و مدیریت تغییر در مقابله با کژتابی‌های موجود به‌خوبی ایفا کند. بدیهی است تجاربی که او عزم انتقال آن را به جامعه دارد به‌طور مستقیم و بی‌واسطه برگرفته از تعالیم پیامبری است که امین وحی و مطمئن‌ترین منبع تفسیر کلام الهی به‌شمار می‌رود. به هر روی برای نیل به این هدف - یعنی تحلیل منطقی حاکم بر گفتار آن حضرت - استناد ما در این نوشتار به دو خطبه ماندگار از ایشان خواهد بود که یکی در مسجدالنبی و در اجتماع مسلمین ایراد گردیده و آن دیگری در بستر شهادت آنگاه که زنان مهاجر و انصار بر بالینش نشستند. (۱)

ساختار منسجم و اسلوب خاص هر دو خطبه در ارائه گزاره‌های منطقی و توسل به مستندات تاریخی و تجارب اجتماعی، در کنار بهره‌گیری دقیق و عمیق از کلام وحیانی - در مقام دفاع از مواضع خویش و رد آرای غیر - خود حکایت از آن دارد که صاحب این گفتار نه پرده‌نشینی عزلت‌گزین و منفعل، بلکه بانویی فعال، تیزبین و حساس بوده که موشکافانه رویدادهای زمانه و به تبع جهتگیری‌ها و رویکردهای جدید پس از رحلت را دنبال، و در مقام مقابله با احیای سنن جاهلی و انحرافات شکل گرفته در جامعه اسلامی سخت مصر و بی‌باک بوده است (۲) تا جایی که به سبب انتساب با حضرت نبی(ص) و با اتکای به آموزه‌های دین مبین در ارائه تعریف نو از انسان، زن خود را محق می‌داند که مهر سکوت بشکند و بر خیل اهل سکوت نیز که سر در جیب مراقبت فرو برده و زاویه عافیت گزیده‌اند، غریو برکشند که: «... اکنون پس از آن همه زبان‌آوری دم فرو بستید و پس از پیشروی واپس نشستید آن هم برای مردمی که پیمان خود را گسستند و حکم خدا را به کار نبستند. از اینان بیم مدارید، تا هستی. از خدا بترسید اگر حق پرستید! اما جز این نیست که به تن آسانی خو کرده‌اید و به سایه امن و خوشی رخت برده‌اید. از دین خسته‌اید و از جهاد در راه خدا نشسته و آنچه را شنیده به کار نبسته...» (۳)

این سخنان عتاب‌آلود حاصل دغدغه‌ای است که تالی یک حقیقت تاریخی است. حقیقتی که در دفتر چه خاطرات گذشتگان ثبت و در قرآن نیز با آوردن نمونه‌های متعدد، به هدف تجربه‌آموزی بشر مضبوط است. و آن اینکه حقیقت‌پوشی و دین‌فروشی حق‌ستیزی و مسؤولیت‌گریزی

عقبگردی و واپس‌نشینی تن‌آسانی و رفاه‌گزینی، خود موجد مور یانه فساد می‌شود که بن استخوان جوامع انسانی را می‌جود و طومار دستاوردهای مدنی و فرهنگی ایشان را درهم می‌پیچد. پس علم بر این نکته است که نقد صریح و بی‌پرده اجتماعی، آن هم در خیل عظیم مهاجر و انصار از نظر فاطمه(س) تجویز و بلکه واجب می‌شود. بانو بی‌شک منتقد بزرگی است که می‌کوشد در آن جو عوام‌زده و در میان مشتی مردم سطحی‌نگر ساده، به مبارزه با اعوجاجاتی برخیزد که می‌رود چون رفتاری هنجارمند در جامعه نهادینه شود. پس در مواجهه با این بدعت‌ها، به‌جای اعتراض موقتی و دفعی، در حرکتی حساب شده و دقیق، گفتمان حاکم بر جامعه را به چالش کشیده، آن را مورد نقد قرار می‌دهد. نقد، اندیشه و تفکر نظام‌مندی است که با تکیه بر نمونه‌های هنجاری و ارزشی (نهاد) ترسیم‌کننده وضع مطلوب است و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی بیانگر وضع موجود. با فرض این دو ساحت است که در حوزه اجتماعی مقایسه بین دو وضعیت موضوعیت می‌یابد و فرد یا جامعه می‌تواند با آسیب‌شناسی موقعیت کنونی، داده‌هایی برای انتقال به وضع آرمانی (روش راهبردی) ارائه کند. به ظن ما، نقد فاطمه(س) از چنین ویژگی برخوردار است.

احمد اکوچکیان در مقاله عالمانه خود چنین قلمی می‌کند که «حوزه مطالعات هنجاری، غایبات و مطلوبیت‌ها و مبانی ارزشی توسعه سیاسی را معلوم، و سلسله‌مراتب ارزشی آنها را (اگر هم‌زمان قابل حصول نباشد) تعیین می‌کند. نظام مطلوب اجتماعی در راستای بس‌تیادهای برگزیده معرفت‌شناسانه و هماهنگ با مبانی نظری و فلسفی یاد شده شکل می‌گیرد.» هم او اضافه می‌کند که «آن مقدار از تعالیم بانو که توصیف‌کننده اوصاف انسان و جامعه آرمانی است در این لایه قرار می‌گیرد.» (۴) در این مرحله، ام‌الائم با حضوری مؤثر می‌کوشد تجربه‌های خویش را از راه و رسم دینداری به جامعه آفت‌زده منتقل کند و با یادآوری آموزه‌های ناب آیین محمدی اضلاع آن را متأثر سازد. از این‌رو پس از اقرار به وحدانیت خداوندی و حمد و ثنای حضرت باری، به علت بعثت انبیای الهی اشارت نموده و فلسفه احکام شریعت را با توجه به تعالیم قرآنی - در بعد فردی و به‌ویژه اجتماعی - بیان می‌دارد. شاهد بر این مدعا، عبارات ذیل است:

«و با نماز خودپرستی را از شما دور نموده، روزه را نشان‌دهنده دوستی بی‌امیغ ساخت و زکات را مایه افزایش روزی بی‌دریغ و حجج را آزماینده درجت دین و عدالت را نمودار مرتبه یقین و پیروی ما را مایه وفای و امامت ما را مانع افتراق...» (۵)

حقیقت‌پوشی و  
دین‌فروشی  
حق‌ستیزی و  
مسؤولیت‌گریزی  
عقبگردی و  
واپس‌نشینی  
تن‌آسانی و  
رفاه‌گزینی، خود  
موجد مور یانه فساد  
می‌شود که بن  
استخوان جوامع  
انسانی را می‌جود و  
طومار دستاوردهای  
مدنی و فرهنگی  
ایشان را درهم  
می‌پیچد.

«جهاد را در بردارنده عزت اسلام و ذلت کفر و نفاق ساخت و امر به معروف را تضمین کننده مصلحت اجتماع» (۶)

اما در مرحله دوم، بانو در مقام توصیف و تحلیل اوضاع، نخست خفت دیروز قوم را فراروی آنان می‌نهد که چگونه در ایام جاهلیت به عسرت می‌زیستند و اینکه به یمن دین مبین عزت یافتند: «در آن هنگام شما مردم بر کنار مفاکی از آتش بودید خوار، و در دیده همگان بی‌مقدار... تا آنکه خدا با فرستادن پیغمبر خود، شما را از خاک مذلت برداشت و سرتان را به اوج رفعت افراشت» (۷)

در ادامه نیز، با اشاره به رنج پیامبر در ساماندهی به قوم پریشان روزگار و آشفته احوال عرب و تأکید به نقش علی (ع) رویدادهای چهره گرفته پس از مرگ وی را به دیده دقت از نظر گذرانیده، آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «چون خدای تعالی همسایگی پیامبران را برای رسول خویش گزید، دورویی آشکار شد و کالای دین بی‌خریدار، هر گمراهی دعوی‌دار و هر گمنامی سالار. هر یابو گویی در هر کوی و برزن در بی‌گرمی بازار... آنچه نبایست کردید و آنچه آنتان نبود بردید و بدعتی بزرگ پدید آوردید. به گمان خود خواستید فتنه برنخیزد و خونی نریزد، اما در آتش فتنه افتادید و آنچه کشتید به باد دادید...» (۸)

این تحلیل از وضع موجود، در کنار ترسیم وضع مطلوب، روشی راهبردی برای گریز از بحران را نیز می‌طلبد که آب رفته را به جوی آورد. بیشتر فاطمه در ضمن ایراد خطبه‌اش همگان را اندرز داده بود که برای اینکه به آرای گوناگون تأویل گران گرفتار نیابند و دشمنی حادث نگردد تفسیر کلام و حیانی را فقط از زبان اهل بیت بشنوند و آنرا به کار گیرند: «[خدا] ما خاندان را در میان شما به خلافت گماشت و تأویل کتاب الله به عهده ما گذاشت» (۹)

آنگاه نیز که در بستر شهادت بود، سرمشقی ارائه می‌کند و راه برون‌رفت از معضلات پیش آمده را در قالب جملات شرطیه این‌گونه بیان می‌دارد: «به خدا سوگند اگر بای در میان می‌نهادند، و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد می‌گذارند، آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد، چنانکه کسی زبانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است بچیند. تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می‌گشود...» (۱۰)

اما حال که روی برتافتند البته قانون تاریخ نه تعطیل بردار است و نه تغییرپذیر. به عبارت دیگر جبر تاریخ چیزی جز نتیجه ضروری عملکردهای انسان نیست: «[پس] آماده

باشید! که گرد بلا انگيخته شد و تیغ خشم خدا از نیام انتقام آهیخته. شما را نگذارد تا دمار از روزگارتان برآرد. آنگاه دریغ سودی ندارد. جمع شما را بپراکند و بیخ و بنتان را برکند. دریغا که دیده حقیقت بین ندارید. بر ما هم تاوانی نیست که داشتن حق را ناخوش می‌دارید» (۱۱) صحت این گفتار را آینده نیک هویدا ساخت. خطبه ششقیه سرور خداگرایان، علی، دلیلی است آشکار بر این مدعا.

در خاتمه از مباحثی که رفت نتایج چنین حاصل می‌آید که فاطمه (س) در خطبه معروف خویش با در نظر گرفتن جامعه آن روز و درک صحیح از تحولات موجود - و البته در حال شکل‌گیری - سه ساحت را فراروی مسلمانان نهاده و آن را برایشان تبیین و تحلیل می‌کند که در زیر به آن اشاره می‌کنیم:

**منظر اول:** یادآوری ارزشها و هنجارهای ناب شریعت محمدی و تأکید بر نهاده‌ها. در این نگاه بر دو مطلب اساسی

اهتمام می‌شود:

الف - بیان فلسفه احکامی چون نماز، روزه، زکات و حج. گمان ما آن است که در این مرحله، مراد ایشان صرف بیان تأثیر این احکام در تنزیه فردی نبوده است، بلکه این احکام تضمین‌کننده صلاحیت و سلامت فرد برای حضور در اجتماع است.

ب - به دنبال مورد یاد شده، تلاش برای تبیین مقوله‌هایی چون عدالت، امامت، جهاد و امر به معروف موضوعیت می‌یابد که ضامن بقای جامعه و در بردارنده مصلحت اجتماع است.

بی‌شک برای نیل به وضعیت آرمانی انجام احکام ملحوظ در مورد الف، مقدمه‌ای است برای رسیدن به جامعه‌ای خالی از افتراق و سرشار از وفاق.

**منظر دوم:** توصیف و تحلیل شرایط موجود است در مقام مقایسه با جامعه آرمانی مورد نظر بانو. برای رسیدن به این هدف، استناد به رخدادهای گذشته و تحولات در حال وقوع الزامی است. از این رو فاطمه (س) در مقام تبیین گذشته و حال به شیوه زیر اقدام می‌کند.

الف - به رخ کشیدن جاهلیت گذشته عرب که این قوم را چنان در چاه ویل گرفتار و در قعر بواری فروبرده بود.

ب - یادآوری مجاهدتهای فراوان حضرت نبی اکرم (ص) و به تبع علی (ع) در عزت بخشی به قوم عرب از قبل دین اسلام، و شرح مشقت‌ها و مصایب آن بزرگواران، در کنار بیان احوال عافیت جوان دیروز و فرصت طلبان امروز.

ج - تشریح و تحلیل وضعیت کنونی و رویدادهای شکل گرفته پس از وفات رسول بزرگوار (ص) و آشکار ساختن تلاش عده‌ای در به انزوا کشاندن اهل بیت.

## صاحب این خطبه

نه پرده‌نشینی

عزت‌گزین و

منفعل، بلکه

بانویی فعال،

تیزبین و حساس

بوده که موشکافانه

رویدادهای زمانه و

به تبع

جهت‌گیری‌ها و

رویکردهای جدید

پس از رحلت را

دنبال، و در مقام

مقابله با احیای

سنن جاهلی و

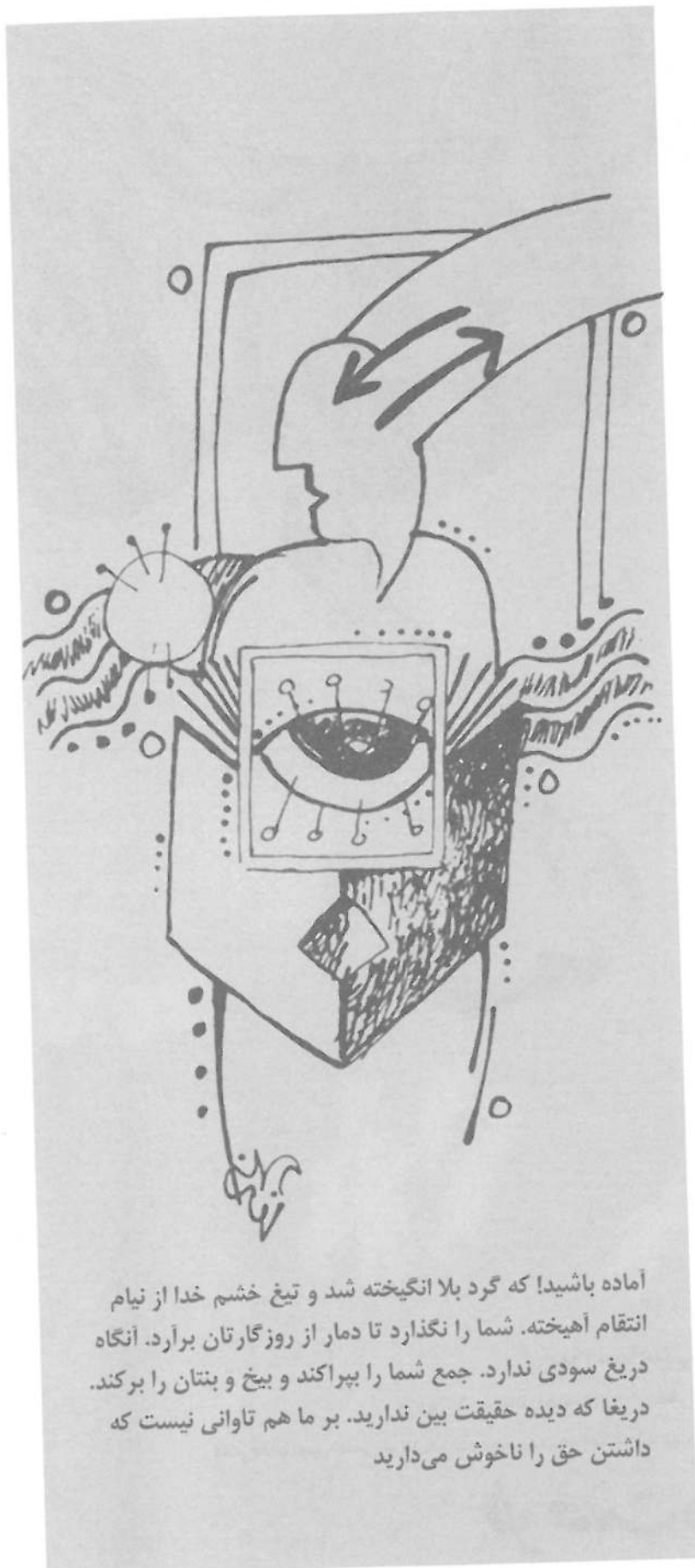
انحرافات شکل

گرفته در جامعه

اسلامی سخت

مصر و بی‌باک بوده

است



آماده باشید! که گرد بلا انگيخته شد و تیغ خشم خدا از نیام  
انتقام آهيخته. شما را نگذارد تا دمار از روزگار تان برآرد. آنگاه  
دریغ سودی ندارد. جمع شما را بپراکند و بیخ و بن تان را برکند.  
دریغا که دیده حقیقت بین ندارید. بر ما هم تاوانی نیست که  
داشتن حق را ناخوش می دارید

- منظر سوم: ارائه راه حل های کاربردی به جامعه برای  
برون رفت از بحران های در شرف وقوع:  
الف - انذار قوم از واقعه شکل گرفته در سقیفه، به عنوان یک  
جریان انحرافی در اسلام و سفارش به دوری جستن از  
خلیفه گزینی این خیل.  
ب - تشویق و ترغیب مسلمانان در حمایت از اهل بیت و  
تحریض ایشان در متابعت از خلافت علی (ع) به عنوان یگانه  
گزینه مشروع توصیه شده از سوی پیامبر (ص).

پی نوشت:

- ۱- هر دو خطبه در کتب شیعه و سنی مندرج است و سند آن نیز معتبر. برای اطلاع از سند دو خطبه مذکور رجوع کنید به: منتظری، حسینی (آیت الله)، خطبه حضرت فاطمه زهرا (س)، قم، چاپخانه باقری، انتشارات دفتر معظم له، چاپ دوم، ۱۳۷۴، صص ۲۱-۲ و صص ۴-۳۶۳.
- ۲- به شیوه نمونه بنگرید، به جعل حدیث منقول از ابوبکر، عایشه، حفصه و اوس بن حدثان، و واکنش حضرت فاطمه در مواجهه با آنها. ج ۱ رجوع کنید به همان، ص ۱۴۶ به بعد.
- ۳- شهیدی، سید جعفر. زندگانی فاطمه زهرا (س)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۳، صص ۵-۱۳۴.
- ۴- آکوچکیان، احمد. «با فاطمه زهرا...»، معرفت شناسی حضرت فاطمه زهرا (س)، تهران، مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۵۰.
- ۵- شهیدی، ص ۱۲۹.
- ۶- والجهاد عز الاسلام [و ذلاً لاهل الكفر و النفاق]... و الامر بالمعروف مصلحه للعامة.
- ۷- شهیدی، ص ۱۳۰
- ۸- همان، ص ۱۳۱
- ۹- پیشین، ص ۱۳۹
- ۱۰- همان، ص ۱۵۱
- ۱۱- همان، صص ۳-۱۵۲.